

بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی
در طول سه نسل خانواده تهرانی:
با تأکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی

تقی آزادارمکی

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

مهناز زند، طاهره خزایی

کارشناسان ارشد مؤسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله تأثیر تحولات فرهنگی اجتماعی بر ساختار درونی خانواده تهرانی، در طول سه نسل، بررسی می‌شود. این تحولات در پی مقتضیات دوران مدرن پدید آمده است.

در این تحقیق مسأله اصلی این است که، "آیا با وجود تحولات رو به گسترش و همه جانبه در جامعه، خانواده و شبکه‌های پیرامون آن توانسته است با بازتولید ارزشهای حاکم بر خود موجودیتش را در طول سه نسل تداوم بخشد یا خیر؟

برای دستیابی به این هدف طرح تحقیقی برای شهر تهران فراهم و برای اجرای آن از روش مطالعه اسنادی و منابع و روش پیمایشی، با بهره‌گیری از تکنیک تکمیل پرسشنامه همراه با مصاحبه و با مراجعه به پاسخگویان، استفاده شد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته است کارکردهای خود را حفظ کند و تداوم بخشد و به نسلهای بعد منتقل نماید. همچنین نقش حمایتی خود را به اعضایش، با وجود تغییرات، از دست ندهد. از طرف دیگر، با وجود پایایی کارکردهای آداب و رسوم ازدواج و تشدید در اجرای مراسم برخی از سنتها و ارزشهای حاکم بر خانواده، شبکه خویشاوندی تحت تأثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته و در نگرش به بعضی از آنها تغییرات مشاهده شده است.

واژگان کلیدی: تحولات اجتماعی، خویشاوندی، سنت، مراسم، نسل.

مقدمه

درباره این موضوع که آیا ارزشها و باورهای جامعه ما در دهه‌های اخیر دگرگون شده یا خیر، عقاید مختلفی ابراز شده است. برخی معتقدند که تحولات اخیر موجب تغییر ارزشها و باورها و سنتها شده است و عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که اعتقاد به سنتها و ارزشهای جامعه با اندکی تغییر مثل گذشته پابرجا است. با وجود نگاه دوگانه‌بینی و قطبی به دگرگونیها، خصوصاً در حوزه خانواده، ارزیابی واقع‌بینانه‌ای نیز هست. رویارویی با نیازها و مشکلات جدید و قابلیت و انعطاف‌پذیری درون جامعه و فرهنگ از شرایط تغییرات است. برای آگاهی بیشتر به تعریف بارنز درباره تغییرات فرهنگی، اشاره می‌کنیم. به عقیده بارنز^۱ (۱۹۸۶): "فرهنگ مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهاست که با تلاشهای یک گروه به منظور فائق آمدن بر مشکلات تطابق بیرونی و یگانگی درونی توسعه می‌یابد - فرهنگی را که بتواند از پس مشکلات برآید با ارزش می‌پنداریم و به اعضای جدید گروه می‌آموزیم." (اینگلهارت ۱۳۷۳، ص ۲). در این تعریف چند نکته وجود دارد که در بررسی تغییرات خانواده و فرهنگ آن به کار می‌آید. فرهنگ نسلهای جدید الزاماً و تنها با انتقال ارزشها و اعتقادات و باورها شکل نمی‌گیرد، بلکه تجارب کلی نسل جدید نیز در زندگی، در رویارویی با مسائل و مشکلات در این مهم مؤثر است. از طرفی، تلاشهای افراد و مجموعه‌ها در تطابق با محیط، در تغییرات اجتماعی - فرهنگی، نقش تعیین‌کننده دارند. این تطابق پاسخگوی دگرگونیهای اقتصادی، تکنولوژی و سیاسی است و به نوبه خود در تحولات فرهنگی مؤثر می‌افتد. از این رو نمی‌توان تغییرات فرهنگی اجتماعی را اتفاقی دانست و نمی‌تواند لحظه‌ای، بی‌برنامه و حتی با فشار باشد. شرایط خاص زمینه‌ساز تغییر است.

بعد از جنگ جهانی دوم در پی آن پیشرفتهای صنعتی، تغییراتی در اوضاع اقتصادی، تکنولوژیکی و سیاسی و اجتماعی ملتها رخ داده و فرهنگ آنها را از جنبه‌های مختلف دگرگون کرده است. زمانی، در جوامع پیشرفته صنعتی تنها معیار توسعه و پیشرفت، معیارهای اقتصادی بوده، در حالی که امروزه چنین پیش فرضی الزامی نیست. تحولات نظامی - سیاسی و جهانی و نیز پیشرفتهای شگفت‌انگیز علمی، تغییرات تدریجی را در جوامع در پی داشته که ارزشهای اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و مذهبی را دگرگون ساخته است.

در دهه‌های اخیر تحولاتی چون جایگزینی آزادی بیان در کار و سیاست به جای امنیت اقتصادی بدون در نظر گرفتن استقلال فردی، تحول ارزشها از مادی به فرامادی، دگرگونی در گرایشهای دینی و مذهبی، به هم خوردن ترکیب قومی و فرهنگی غرب در اثر مهاجرت‌های جهان سومیه‌ها، بالا رفتن بی سابقه طلاق در غرب و تغییر نگرش در مورد آن، کاهش باروری، شکل‌گیری تشکیلات رسمی گروه‌هایی چون هم‌جنس‌بازان که قبلاً ضد ارزش بوده، سبب تغییر نگرش کلی در زندگی شده است (همان، ص ۱۰). این تحولات در جامعه و نهادهای آن از جمله خانواده تأثیر می‌گذارد. خانواده به معنای واقعی پناهگاه اعضای خویش است و با وجود احکام و سلسله مراتب درون خود به اعضایش احساس امنیت می‌بخشد. خانواده همواره پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگیهای مشخص فرهنگی و وسیله انتقال این ویژگیها به نسلهای بعد بوده است. امروزه روند شتابان تحولات اجتماعی ارتباطات فوق را سست می‌کند و آن را به شکل فزاینده‌ای با نیروهای متعدد زندگی امروزین رویارو می‌نماید، و این رکن بنیادی و مقاوم حیات اجتماعی را در جریان تحول قرار می‌دهد. اهمیت این تحولات دگرگون ساز و پیامدهای آن در روابط میان زن و مرد، پدر و مادر و فرزندان، نقش شبکه خویشاوندی و... سبب شده که موضوع خانواده به یکی از مسائل مهم مطالعه و پژوهش در سالهای اخیر تبدیل شود.

مسأله تحقیق

سؤال اصلی در این بررسی این است که آیا با وجود تحولات رو به گسترش و همه جانبه در جامعه، خانواده و شبکه پیرامون آن توانسته است باز تولید ارزشهای حاکم بر موجودیت آنها را در طی سه نسل تداوم ببخشد؟ در صورتی که دارای ساختار قبلی خود نیست و تغییراتی در آن رخ داده، تغییرات در چه سطح و اندازه‌ای صورت گرفته است؟

به عبارت دیگر در این بررسی می‌خواستیم به این هدف برسیم که خانواده و شبکه خویشاوندی آیا توانسته است ارزشها و کارکردهای آداب و رسوم و ازدواج و سنن و نظامهای حمایتی خود را با وجود تحولات دوران مدرن باز تولید کند و تداوم بخشد. تحولاتی که در این نقشها و کارکردها رخ می‌دهد در جهت انطباق و سازگاری با نظام خانواده است. تغییرات حاصل شده در خانواده براساس رویکرد کارکردگرایی ساختاری در حوزه‌ای فراتر از حوزه صرف و خاص سنتها و رفتارها در خانواده اتفاق می‌افتد. این تغییرات در صورت تناسب با تغییرات در کل نظام اجتماعی تشدید می‌شود یا تضعیف می‌گردد و شاید نیز بتواند به تدریج تغییراتی به

وجود آورد. تغییرات حاصل شده در صورتی اثرگذار است که درونی و نهادینه شود.

زمینه نظری

نظریه کارکردگرایی ساختی تبیین کننده پرسش محوری این بررسی در جهت بیان تغییرات درون خانواده، یعنی یک سازمان اجتماعی است. با نظریه‌های دیگری چون دیدگاه تضاد نیز می‌توان به تفسیر نظری مسأله فوق پرداخت، ولی به لحاظ اینکه بقای خانواده در روند تغییرات مسأله نظری در معرض آزمون این بررسی است لذا، نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونزی بنای اصلی بحث نظری است. در کارکردگرایی ساختاری، ارزشها و هنجارهای مشترک را برای جامعه بنیادی می‌انگارند و بر نظم مبتنی بر توافقیهای ضمنی تأکید می‌ورزند و برای دگرگونی اجتماعی آهنگی کند و سامانمند در نظر می‌گیرند. در حالی که در دیدگاه تضاد، نظم اجتماعی را پس از دخالت و نظارت گروههای مسلط بر دیگران می‌بینند و نیز دگرگونی اجتماعی را دارای آهنگی سریع و نابسامان می‌دانند. برخی از متفکران معتقدند دو دیدگاه فوق نقاط مشترک و مشابهی نیز دارند. برنارد نقطه مشترک این دو دیدگاه را در نگرش در سطح کلان و نیز سر و کار داشتن با ساختارهای اجتماعی و نهادهای اجتماعی پهن دامنه می‌داند (ریتزر ۱۳۶۴، ص ۱۱۹). بنیان نظری این بررسی بر دیدگاه کارکردگرایی ساختاری پارسونزی استوار است. کارکردگرایان ساختی بویژه کارکردگرایان اجتماعی، رهیافت کلان را در بررسی پدیده اجتماعی پذیرفته‌اند.

“آنها به کل نظام اجتماعی و تأثیر اجزای آن بر کل تأکید می‌کنند (به ویژه در ساختارها و نهادهای اجتماعی آنها برای اجزای نظام، در تداوم عملکرد کل نظام، نقش مثبتی قایل‌اند. همچنین با رابطه یک جزء نظام با اجزای دیگر نیز سر و کار دارند. آنها اجزای نظام و نیز کل نظام را در یک حالت توازن در نظر می‌گیرند، چندان که دگرگونی در یک جزء به دگرگونی‌هایی در اجزای دیگر می‌انجامد. دگرگونی در یک جزء ممکن است چنان با دگرگونی در اجزای دیگر تعادل یابد که گویی هیچ‌گونه دگرگونی در کل نظام پدید نیامده است.

به طور کلی کارکردگرایی ساختاری یک چشم‌انداز توازنی را می‌پذیرد. اما لزوماً یک دیدگاه ایستا به شمار نمی‌آید. در این توازن نظام اجتماعی، دگرگونیها به شیوه‌ای سامانمند رخ می‌دهند، نه انقلابی” (همان، ص ۱۲۲)

براساس زمینه نظری فوق بر این عقیده‌ایم که هر چند تحولات اجتماعی فرهنگی در

جامعه و به طور خاص در خانواده، موجب تشریفاتی تر شدن آداب و رسوم ازدواج و تشدید برخی از جنبه‌های حمایتی خانواده و نیز تضعیف برخی دیگر از سنن و نقشهای خانواده و شبکه خویشاوندی، در طی سه نسل، شده است ولی خانواده به مثابه یک نهاد اجتماعی همچنان توازن خود را در کل نظام اجتماعی حفظ نموده و توانسته است، به باز تولید ارزشهای خود پردازد و آن را حفظ کند و به نسلهای بعد منتقل نماید.

در توجیه پذیرش و مقبولیت رویکرد این پژوهش به موقعیت نهاد خانواده در طی سه نسل در ایران براساس دیدگاه کارکردگرایان ساختاری می‌توان چنین استدلال کرد که:

از سویی از منظر کارکردگرایی ساختاری خانواده به مثابه یکی از نهادهای اصلی جامعه در فرایند تغییر و دگرگونی بنیادی قرار نمی‌گیرد؛ نهادی پایدار است و کارکردهای خود را نیز حفظ کرده است. برای مثال: بسیاری از آداب و رسوم رایج در خانواده ایرانی از جمله آداب و رسوم ازدواج و کارکردهای آن به نسلهای بعدی منتقل شده و آن سنتها تداوم یافته است. وضعیتی که بر اساس یافته‌های تجربی این پژوهش نیز به اثبات رسیده و بدین ترتیب دیدگاههای فوق در این زمینه در معرض آزمون قرار گرفته است. از سوی دیگر تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران مدرن در ابعاد مختلف جامعه و نیز در پدیده‌ها، ارزشها و آداب اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت که در حیطه ساختار درونی نهادی چون خانواده موجب تغییر بنیادی نشده‌اند، ولی در حوزه فرانهادی آن و در برخی از ارزشهای حاکم بر آن تأثیر داشته‌اند. به همین لحاظ در بررسی برخی از جنبه‌های فرهنگی اجتماعی خانواده ناگزیر از پذیرش تحولات و دگرگونی‌هایی هستیم که به رغم پدید آمدن آنها، موجودیت خانواده و ارزشهای مربوط به آن کماکان پایدار باقیمانده‌اند.

الگوی تحلیلی

با توجه به جهت‌گیریهای نظریه کارکردگرایی ساختاری، نهاد خانواده، در ساختار اجتماعی تا به امروز همواره در دو کنش متقابل میان فرد، خانواده و جامعه کل وجود داشته است. انتظام خانواده، از نظم و نیز از میزان توسعه‌یافتگی نظامهای اجتماعی و اقتصادی جامعه کل تأثیر می‌پذیرد و متقابلاً بر این نظامها تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل طبیعی است که تحولات و دگرگونیهای نظامهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بر ساخت و کارکرد خانواده‌ها تأثیر بگذارد و آن را نیز دستخوش دگرگونی سازد که این دگرگونی به نوبه خود تغییرات و تحولات بیشتری را در نظامهای مذکور موجب می‌شود.

جامعه ایران در چند دهه اخیر به دلیل قرارگرفتن در متن شرایط جدید اجتماعی و بین‌المللی و ارتباطات گسترده و تعامل با جوامع دیگر با دگرگونیهای مهمی روبه‌رو بوده است، بر این اساس خانواده به دلیل ساخت‌یابی آن در انطباق تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه همپای با سایر نهادها و اجزای جامعه و در جریان تحولات قرار گرفته است. این تحولات و دگرگونیها از جنبه‌های دموگرافیک نظیر: تغییر بعد خانوار، ترکیب اعضای خانواده، میانگین سن ازدواج و... تا دگرگونی در نقشهای اعضا، نوع روابط آنان با یکدیگر، و کارکردهای اجتماعی، عاطفی و حمایتی خانواده را دربرمی‌گیرد. (مهدی امانی ۱۳۴۹)

بنابراین به کمک شناخت تحولات نظامهای خانوادگی و خویشاوندی با روشی غیرمستقیم اما مؤثر و ژرفکاوانه می‌توان به فهم دگرگونی ساختارهای اجتماعی - فرهنگی در جامعه دست یافت.

بررسی ما براساس این پیش فرض طراحی شده است که با وجود تحولات گسترش یافته در جامعه، خانواده ایرانی - تهرانی توانسته است کارکردهای خود را تا حدود زیادی حفظ کند و ارزشهای درونی شده را با تغییرات کمتری پایدار نگهدارد. خانواده و شبکه خویشاوندی به رغم تحولات اخیر، نظامهای حمایتی خود را نیز همچنان اعمال می‌کند. آداب و رسوم ازدواج و گزینش همسر و وظایف حمایتی و نگهداری از اعضای سالخورده خانواده در طی سه نسل حفظ و منتقل شده است. در نتیجه ارزشهای حاکم بر خانواده را تثبیت کرده است.

تحولات اجتماعی اگرچه ممکن است بر روی برخی از سنتهای رایج در شبکه خویشاوندی و خانواده نظیر ازدواجهای خارج از شبکه فامیلی و کاهش نفوذ خانواده در انتخاب

همسر، و یا برخی از رفتارها نظیر سیگار کشیدن جلو بزرگترها، شوخی زن و شوهرهای جوان جلو بزرگترها و دراز کشیدن و خوابیدن جلو آنها، تأثیر بگذارد و یا نگرش خانواده نسبت به نحوه آشنایی دخترها و پسرها، تغییر نظر در مورد ترجیح جنس فرزند پسر به دختر، بالا بردن سن ازدواج و ... تغییر کندولی اجرای آداب و رسوم ازدواج و تشکیل خانواده تغییر نکرده و در طی سه نسل تداوم یافته و بر میزان تشریفاتی بودن آن افزوده شده است. برای بررسی این فرض، چگونگی اجرای آداب و رسوم ازدواج و بعد از آن نظیر مراسم خواستگاری، چگونگی ملاقات دختر و پسر قبل از عقد، مراسم نامزدی، بله برون، حنابندان، عقد و عروسی، دریافت شیربها، خرید عروسی، پاتختی، تهیه سیسمونی، حمام زایمان، نامگذاری کودک و ختنه سوران در طی ۶۰ سال گذشته را (سه نسل متوالی) مقایسه می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این آداب پابرجا هستند و میزان پایایی آنها افزایش یافته است.

همچنین خانواده کارکردهای حمایتی خود را که شامل حمایت‌های مادی و معنوی از اعضای جوان و سالمند است، حفظ کرده است. با وجود اینکه ایجاد سراهای سالمندان و نگهداری از سالخوردگان در آنها در واقع پیامدهای جامعه مدرن و زندگی شهری است، اما در جامعه ما امری است که وفاق فکری جامعه و مردم را به همراه ندارد، و هنوز خانواده و شبکه خویشاوندی این وظیفه را بر عهده خود می‌داند.

روش‌شناسی

با توجه به مسأله تحقیق، زمینه نظری و الگوی تحلیلی اخذ شده، لازم است به فرضیه‌ها و شیوه‌های آزمون فرضیه‌ها توجه شود. در این تحقیق دو فرضیه اساسی از زمینه نظری استنتاج شده که به شرح زیر است:

فرضیه اول: پایبندی بیشتر به اجرای آداب و رسوم ازدواج و تولد اولین فرزند در طی سه نسل در خانواده‌های تهرانی مطالعه شده، تداوم یافته است.

فرضیه دوم: روابط درونی شبکه خویشاوندی، نقشهای حمایتی و نگهداری از سالمندان، در خانواده تهرانی، با وجود تغییراتی در طی سه نسل، تداوم یافته است. مؤلفه‌های فرض اول عبارت‌اند از: آداب و رسوم ازدواج شامل مراسم خواستگاری، نامزدی، عقد و عروسی، هزینه عقد و عروسی، مهریه، شیربها و مراسم بعد از ازدواج و مراسم تولد اولین فرزند.

مؤلفه‌های فرض دوم عبارت‌اند از: وجود ملحقات با خانواده، همسرگزینی (نسبت با

همسر، نحوه آشنایی، فرد دخالت کننده در ازدواج، حمایت‌های مالی خانواده و شبکه خویشاوندی، هزینه‌های عقد و عروسی، جهیزیه، پاتختی، تهیه سیسمونی، حمایت و نگهداری از سالمندان). متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: جنس، سن، تحصیلات، منشأ جغرافیایی، نسبت با همسر، افراد مؤثر در انتخاب همسر در ازدواج، شاخص پایگاه اقتصادی اجتماعی. متغیرهای وابسته عبارت‌اند از: کلیه مؤلفه‌های فرض اول، شاخص پایبندی به مراسم ازدواج، شاخص پایبندی به آداب و سنن.

شاخص‌ها

از میان سؤال‌های متعدد پرسشنامه به منظور جلوگیری از محاسبات جداگانه و پراکنده متغیرها، برای آزمون فرضیه‌های موردنظر درباره مقولات کلی به شرح زیر شاخص‌سازی شده است:

- پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در طی سه نسل مطالعه شده.
 - پایایی و میزان پایبندی به اجرای آداب و مراسم ازدواج و تولد اولین فرزند خانواده.
 - وضع مالکیت و دارایی خانواده در سه نسل به هنگام ازدواج فرزندان.
 - نفقات پاسخگویان درباره چگونگی اجرای مراسم در ازدواج و تولد فرزندان.
- به این منظور برای هر یک از پاسخهای سؤالها ارزش عددی خاص (در صورت لزوم با احتساب ضرایب مناسب) آن پاسخ در نظر گرفته شد.
- در شاخصهای مربوط به آداب و رسوم ازدواج و تولد اولین فرزند نمره بالاتر به پاسخی داده شده که آداب و رسوم و سنتها را به شکل مفصل اجرا و رعایت کرده و انجام داده است و نمره پایین مربوط به پاسخی است که به شکل مختصر آداب و سنن را رعایت نموده و به همین ترتیب کسی که مراسم و سنتها و آداب و رسوم ازدواج را اصلاً انجام نداده است پایین‌ترین نمره را گرفته است.* با توجه به موارد فوق پس از تعیین ارزش هر یک از مقوله‌های پاسخها و نیز احتساب وزن و ضرایب در خور پاسخها و تعیین سؤالهای مربوط که در معرفی هر شاخص، مشخص شده‌اند، شاخصها به وسیله کامپیوتر ساخته شده و سپس دسته‌بندی نهایی آن انجام گرفته است.

*. در پاسخ سؤالهای مربوط به مراسم ازدواج و آیینهای سنتی تشخیص اینکه آیا مراسم مفصل یا مختصر بوده بر عهده خود پاسخگو گذاشته شده است و او با توجه به معیارهای خود مفصل و مختصر بودن آنها را تعیین کرده است.

شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی

شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی برای افراد سه نسل محاسبه گردیده است. برای ساختن این شاخص متغیرهای وضع تحصیلات، منشأ جغرافیایی، وضع مالکیت مسکونی، وضع اشتغال و میزان درآمد افراد به کار برده شده است.

شاخص پایبندی به آداب و رسوم ازدواج

شاخص فوق نشان می‌دهد که خانواده‌های سه نسل مطالعه شده تا چه حد مراسم ازدواج را سنتی برگزار کرده‌اند و مراسم آنها تا چه حد مفصل یا مختصر بوده است.

در ساختن شاخص فوق متغیرهای زیر به کار برده شده است:

افراد شرکت کننده در مراسم خواستگاری، چگونگی ملاقات با همسر قبل از عروسی، چگونگی برگزاری مراسم حنابندان، نامزدی، بله برون، عقد و عروسی، هزینه عقد و عروسی، داشتن مهریه و شیربها، رفتن به خرید عروسی، داشتن مراسم پاتختی و داشتن جهیزیه.

شاخص پایبندی به آداب و رسوم

این شاخص میزان پایبندی به آداب و رسوم را در طی سه نسل مطالعه شده نشان می‌دهد و با استفاده از شاخص پایبندی به آداب و رسوم ازدواج و همچنین احتساب چگونگی برگزاری مراسم تولد اولین فرزند شامل تهیه سیسمونی، مراسم حمام زایمان، نامگذاری کودک، ختنه سوران ساخته شده است.

شاخص وضع مالکیت و دارایی سه نسل مطالعه شده در زمان ازدواج فرزندان

این شاخص نشان می‌دهد که در ازدواج‌های سه نسل، خانواده‌ها از لحاظ اقتصادی و وضع مالکیت و دارایی هم سطح بوده‌اند یا خیر؟ در ساختن این شاخص وضع مالکیت محل مسکونی، مالکیت اتومبیل، مستغلات و محل کار ملکی در خانواده‌های سه نسل در زمان ازدواج فرزندانشان بررسی شده است.

شاخص نظر درباره آداب و رسوم ازدواج

این شاخص نظر پاسخگویان را درباره چگونگی برگزاری مراسم ازدواج نشان می‌دهد و در ساختن آن از نظر پاسخگو درباره کلیه متغیرهای شاخص پایبندی به مراسم ازدواج همراه با متغیرهای زیر استفاده شده است:

نظر در مورد راههای آشنایی دختر و پسر قبل از تصمیم‌گیری برای ازدواج و نظر در مورد مراسم خواستگاری.

شاخص نظر درباره آداب و سنن

در ساختن این شاخص از متغیرهای "شاخص نظر درباره آداب و رسوم ازدواج" همراه با متغیرهای زیر استفاده شده است. نظر درباره دایره همسرگزینی (فامیل، غریبه، هم ولایتی)، نظر درباره برهم خوردن ازدواج به دلیل تفاوت آداب و رسوم، نظر درباره دست و پاگیر بودن آداب و سنن، واجب بودن آداب و سنن، سازگاری آداب و سنن با مقتضیات زندگی امروز و مفید بودن آداب و سنن.

روش بررسی

در این بررسی از روشهای تحقیق اسنادی و پیمایشی استفاده شده است و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز آن از طریق منابع و متون مکتوب و نیز مصاحبه با پرسشنامه انجام گرفته است. پرسشنامه مورد استفاده شامل ۱۴۴ سؤال باز و بسته در ۱۵ صفحه بوده است.*

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه شامل ۳ گروه زیر بوده است:

۱. رؤسای خانواده‌های ساکن در هر یک از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران که سن سرپرست

*. این مقاله بخشی از تحقیق وسیعی است که تحت عنوان "تحولات اجتماعی فرهنگی - مطالعه تجربی خانواده در شهر تهران" که طرح مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران است و در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران اجرا و در اواخر ۱۳۷۹ به اتمام رسیده است، و حاصل بررسی بخش مربوط به مطالعه پایایی آداب و رسوم ازدواج و مراسم تولد اولین فرزند و نیز نقش حمایتی که خانواده نسبت به اعضای جوان و سالخورده ایفا می‌کند، می‌باشد. گزارش نهایی بررسی فوق در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی موجود می‌باشد.

خانواده و یا همسران آنها ۴۵-۷۰ سال باشد.

در جریان تعیین نمونه‌های مورد نظر در مرحله اول، خانواده می‌بایست حتماً دارای حداقل یک فرزند دختر یا پسر باشد.*

از آنجا که بررسی تغییرات نیاز به مقایسه همه جانبه موارد مورد نظر در این بررسی را در بین سه نسل داشته است، از این رو شرط سومی هم در انتخاب جامعه آماری مورد مطالعه حاضر در نظر گرفته شد که براساس آن می‌بایست حداقل یکی از فرزندان (دختر یا پسر - نسل سوم) پاسخگویان ازدواج کرده باشد. بدیهی است با ورود شرط سوم حجم جامعه آماری این بررسی محدودتر شد. در جریان شناسایی نمونه‌های آماری بنابر ضرورت موضوع طرح قرار بر این شد که نمونه‌های آماری از بین اکثریت دینی جامعه، یعنی مسلمانان، انتخاب شوند.

۲. والدین رؤسای خانواده‌های مذکور و والدین همسران آنها (پدر و مادر شوهر - پدر و مادر زن)

۳. آخرین فرزندان متأهل خانواده‌های مذکور و همسران آنها (پسر و عروس، دختر و داماد)

روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری در این بررسی با توجه به ویژگیهای مورد انتظار در جامعه آماری به روشهای چند مرحله‌ای، سهمیه‌ای و تصادفی سیستماتیک انجام شد. حجم نمونه مورد مطالعه با توجه به جمعیت مناطق، تعداد بلوکهای مناطق، و با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد.

شناسایی نمونه آماری

برای تعیین حجم نمونه، اقدامات انجام شده، با استناد به آمار و اطلاعات موجود در مرکز

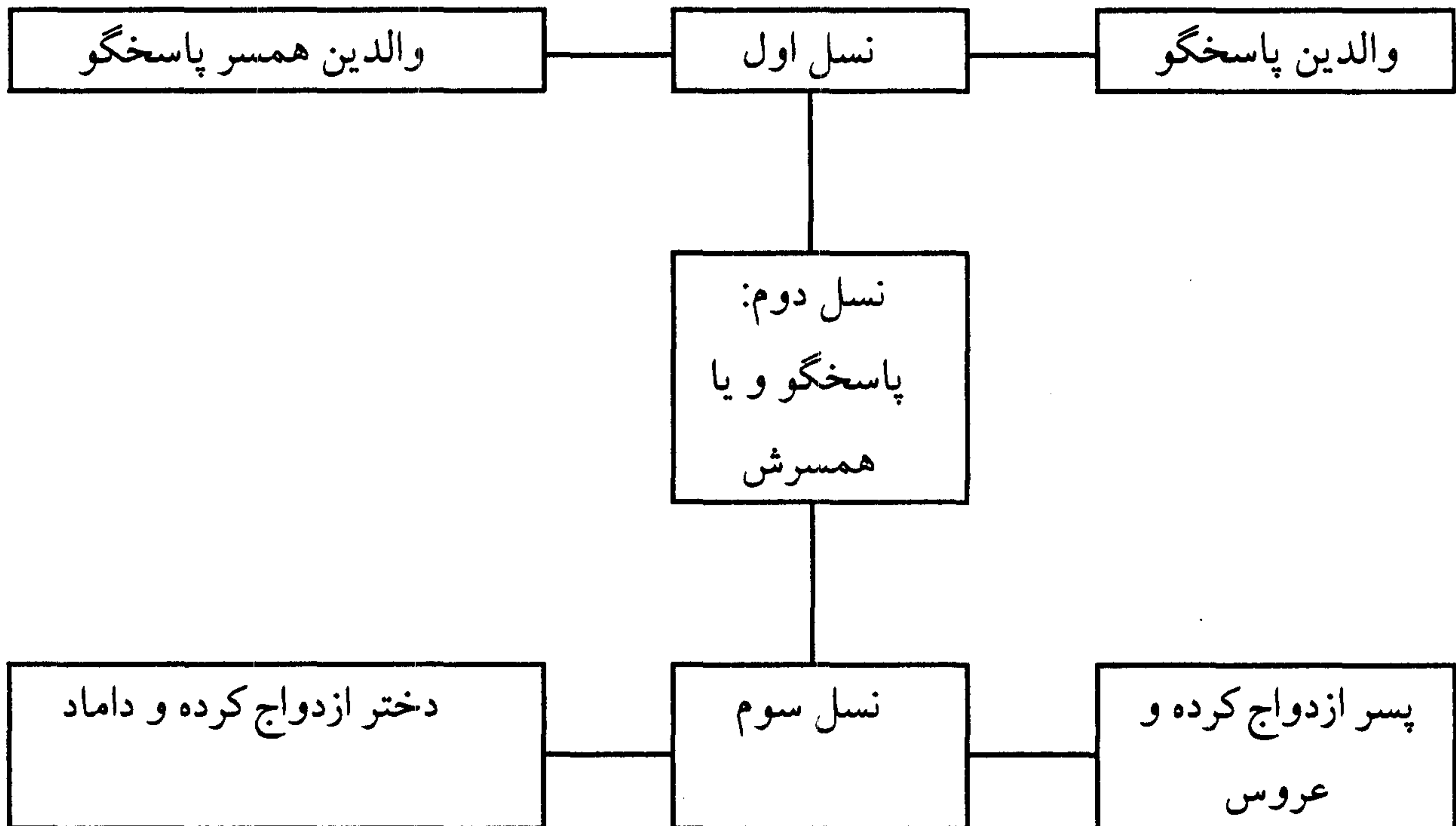
*. اطلاعاتی که مرکز آمار ایران درباره خانواده‌های مورد مطالعه در این بررسی، به شکل قانونی، می‌توانست در اختیار گروه بگذارد، تنها محدود به آدرس بلوک‌هایی بود که در آن خانواده‌هایی با دو شرط اولیه فوق (سن رئیس خانواده یا همسر او بین ۴۵-۷۰ سال و داشتن حداقل یک فرزند) زندگی می‌کردند و نیز شناسایی کلیه خانواده‌های بلوک‌های نمونه، دارای شرط سنی فوق و نیز دارای فرزند متأهل دختر یا پسر یا هر دوی آنها نیاز به صرف هزینه مالی و زمانی بسیار زیاد داشت که برای ما مقدور نبود. از این رو به ناچار تعیین جامعه آماری و نمونه‌های مورد مطالعه در چند مرحله انجام شده که در بخش تعیین حجم و معرفی نمونه آماری توضیح داده شده است.

آمار ایران بود. اما از آنجایی که نمونه‌های مورد مطالعه ما می‌بایستی دارای حداقل یک فرزند متأهل می‌بودند، بنابراین به منظور تعیین حجم نمونه نهایی و شناسایی نمونه‌های موردنظر اقدامات عملی زیر انجام شد:*

برای تعیین بلوک‌های مورد مطالعه از فهرستی که مرکز آمار ایران از کلیه بلوک‌های واجد دو شرط فوق در اختیار گروه تحقیق قرار داد، استفاده کردیم و با بهره‌گیری از جدول اعداد تصادفی شماره بلوک‌های نمونه با روش تصادفی سیستماتیک تعیین شد. به منظور شناسایی خانواده‌های واجد شرایط (به لحاظ سن پاسخگو و یا همسرش و داشتن فرزند متأهل) و برآورد فراوانی آنها در بلوک‌های نمونه تعیین شده نقشه کروکی این بلوک‌ها تهیه شد. به روش نمونه‌گیری تصادفی به چند بلوک در مناطق ۲۲ گانه مراجعه و خانواده‌های ساکن در آنها تمام‌شماری شد و با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد تقریبی نسبت خانواده‌های دارای فرزند متأهل به خانواده‌های دارای یک فرزند حجم نهایی نمونه، به تفکیک مناطق ۲۲ گانه تعیین شد.

برای آزمون و تعیین وجود و میزان معنی‌دار بودن رابطه بین متغیرها از طریق نرم‌افزار SPSS روشها و محاسبات آماری مورد نیاز نظیر محاسبه کای اسکوتر، فی، ضریب پیرسون، کرامرز وی، کندال تا، بی، و سی و ... بر حسب ضرورت بکار گرفته شد.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق با استفاده از روشهای یاد شده به مطالعه و مقایسه پایایی آداب و رسوم ازدواج و بعد از آن و نظامهای حمایتی خانواده در طی سه نسل متوالی پرداخته شد. پاسخگویان که نمونه‌های آماری مورد مطالعه هستند سرپرستان خانواده‌ها و یا همسران آنها می‌باشند که دارای سه شرط ذکر شده (سن پاسخگو یا همسر بین ۷۰-۴۵ سال، دارای حداقل یک فرزند پسر یا دختر ازدواج کرده و مسلمان) باشند. نمونه‌های فوق نسل دوم جامعه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. نسل اول والدین نسل دوم، و نسل سوم فرزندان ازدواج کرده نسل دوم هستند. نمودار صفحه بعد رابطه خویشاوندی نسلهای مطالعه شده را نشان می‌دهد.



نسل دوم اطلاعات مربوط به نسل اول و نسل سوم را در اختیار ما قرار داده است. از آنجا که مقایسه اطلاعات و مشخصات سه نسل در تبیین فرضیه‌ها حائز اهمیت است در ابتدا مشخصات جامعه مورد مطالعه را معرفی می‌کنیم و سپس به بررسی متغیرهای مربوط به فرضیه‌ها می‌پردازیم.*

یافته‌های تجربی

در آغاز به اختصار به مشخصات افراد نمونه می‌پردازیم و در نهایت اطلاعات مربوط به فرضیه‌ها را می‌آوریم:

الف. مشخصات افراد مورد مطالعه

بیش از یک سوم پاسخگویان مرد و نزدیک به $\frac{2}{3}$ آنها زنان هستند. ترکیب سنی سه نسل

*. بیان این نکته ضروری است که پس از طرح سؤالیهای مربوط به مراسم و آداب و سنن و پس از ثبت اطلاعات از پاسخگویان درباره نحوه اجرای سنتها و آداب فوق، نیز پرسش شده است.

مطالعه شده نشان می‌دهد که مردان نسل اول بین ۶۰ تا ۱۱۰ سال و زنان آنها بین ۵۲ تا ۱۰۵ سال داشته‌اند. در نسل دوم پاسخگویان بین ۳۸ تا ۹۹ سال سن داشته‌اند و در نسل سوم مردان ۲۰-۵۴ ساله و زنان ۱۴ تا ۵۶ ساله بوده‌اند. بنابراین نسل‌های مطالعه شده را نه ترکیب سنی بلکه روابط خویشاوندی و رابطه پدر و مادری با فرزندان تعیین می‌کند.

بررسی وضعیت سواد در بین سه نسل نشان می‌دهد که اکثر زنان و بیش از نیمی از مردان نسل اول بی‌سواد بوده‌اند. ولی در بین زنان آنها بالاترین مدرک تحصیلی دیپلم و در بین مردان دکتری عمومی و تخصصی بوده است. در نسل دوم میزان سواد بالا رفته است و اکثر مردان و زنان سواد در حد تحصیلات ابتدایی و سواد خواندن و نوشتن دارند و در میان مردان نسل دوم بالاترین مدرک تحصیلی دکتری و زنان فوق‌لیسانس بوده است. در نسل سوم در مقایسه با دو نسل قبل میزان سواد بالاتر رفته است و بالاترین درصد را افرادی دارند که دارای مدرک دیپلم هستند. بالاترین مدرک تحصیلی در میان مردان و زنان نسل سوم مدرک دکتری است.

مقایسه وضع سواد در سه نسل مطالعه شده، کاهش بی‌سوادی و بالا رفتن میزان سواد و تحصیلات، به خصوص در میان زنان، را نشان می‌دهد.

منشأ جغرافیایی - محل تولد اکثریت افراد مطالعه شده در سه نسل شهر بوده است و از این عده حدود ۲۰ درصد متولدان شهر تهران هستند. در نسل اول و دوم اکثر خانواده‌ها دارای ۴-۵ فرزند بوده‌اند، در نسل سوم اکثریت خانواده‌ها دارای یک فرزند بوده‌اند. تعداد فرزند ایده‌آل از نظر پاسخگویان دو فرزند عنوان شده است. ۶۹/۵ درصد نسل دومی‌ها پسر متأهل و ۸۴/۳ درصدشان دختر متأهل داشته‌اند.

در سه نسل مطالعه شده اکثریت خانواده‌ها بدون ملحقات بوده‌اند. نسل دوم بیش از نسل اول و نسل سوم با ملحقات زندگی کرده است که اولاً به دلیل اینکه خود پاسخگوی پرسشنامه‌ها بوده و اطلاعات دقیقتری درباره خود داده‌اند و ثانیاً آنها هم از والدین خود نگهداری کرده‌اند و هم پذیرای فرزندان ازدواج کرده خود بوده‌اند.

ملحقات خانواده‌هایی نیز که فرد یا افرادی غیر از اعضای خانواده خود با آنها زندگی می‌کرده است، شامل فرزندان ازدواج کرده و سپس مادرشوهرها بوده‌اند.

ب. ازدواج

بیش از ۵۰ درصد زن و شوهرهای سه نسل مطالعه شده هم ولایتی یکدیگر هستند که

میزان آن در طی سه نسل نوسان داشته است و از ۸۸/۰ درصد در نسل اول به ۵۸/۰ درصد در نسل دوم و به ۶۱/۰ درصد در نسل سوم رسیده است. اکثریت خانواده‌ها اعتقاد دارند که تفاوت‌های آداب و سنن بین دو خانواده موجب اختلاف و بهم خوردن ازدواج می‌شود.

۷۹/۰ درصد مردان نسل اول یکبار و بقیه بیش از یک بار ازدواج کرده‌اند. در بین مردان نسل اول تا ۱۰ بار* ازدواج مجدد در بین مردان و تا ۳ بار در میان زنان دیده شده است. عمده‌ترین علت ازدواج‌های مجدد در میان مردان، فوت همسر و طلاق و بعد از آنها چند همسری (عقدی، صیغه‌ای) و در مورد زنان اکثراً فوت همسر و سپس طلاق بوده است. طلاق در بین مردان بیش از زنان شایع بوده است.

در هر سه نسل در اکثریت ازدواج‌ها، زن و شوهرها هم ولایتی، همسایه و هم‌محلّی و هم طایفه بوده‌اند. در نسل اول بعد از نوع فوق ازدواج با فامیل پدری و در نسل دوم نیز کم و بیش مانند نسل اول ازدواج با هم‌ولایتی و هم‌محلّی و سپس ازدواج با فامیل (پدری - مادری) بیشتر بوده است. در نسل سوم نیز کم و بیش همین وضعیت مشاهده می‌شود.

به طور کلی در انتخاب همسر، ازدواج با فامیل و خویشاوندان و هم‌ولایتی‌ها دارای اهمیت است. دایره همسرگزینی در درون شبکه فامیلی همچنان مطرح است و هم‌ولایتی بودن، آشنایی و وابستگی‌های قومی و محلی در انتخاب همسر دارای جایگاه خاصی است. زیرا در ازدواج به عنوان مهمترین عامل در انتخاب همسر، شناخت از وی و خانواده او است.

دخالت و معرفی دوستان خانوادگی در انتخاب همسر در نسل سوم بیشتر از دو نسل دیگر شده است و اگر چه به لحاظ آماری ازدواج‌های فامیلی در بین آنها کاهش یافته ولی هنوز در ازدواج‌های نسل سوم مشاهده می‌شود. به طور کلی آمار ازدواج‌های خارج از شبکه فامیلی را بیش از ازدواج‌های فامیلی اعلام می‌کنند و ۳۶/۹ درصد خانواده‌ها همچنان ازدواج‌های فامیلی را ترجیح می‌دهند. توجه به شناخت قبلی و همسانی فرهنگی خانواده‌ها با هم دارای جایگاه ویژه‌ای است. در انتخاب همسر در نسل اول مصلحت جمع و در نسل دوم و سوم مصلحت فرد مطرح بوده است در نتیجه در نسل اول انتخاب کننده پدر و مادر بوده‌اند و در نسل دوم و سوم انتخاب خود فرد دارای اهمیت بیشتری بوده است.

مقایسه شاخص وضع مالکیت و دارایی خانواده‌های سه نسل در زمان ازدواج فرزندان آنها نشان می‌دهد که در طی سه نسل ازدواج‌ها تقریباً در خانواده‌هایی همسطح صورت گرفته است.

*. در بین مردان نسل اول یک مورد ۱۰ بار ازدواج کرده است و ۲/۲ درصد بین ۱۰-۴ بار ازدواج مجدد داشته‌اند.

در طی سه نسل سن ازدواج بالا رفته است. سن مطلوب ازدواج در بین متولدان شهر بیش از روستاست.

پ. پایایی آداب و رسوم ازدواج: (تبیین فرض اول)

اطلاعات به دست آمده از فرضیه اول تحقیق را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که درعین پایبندی به اجرای اکثریت آداب و مراسم ازدواج در طی سه نسل، خانواده کارکردهای خود را تا حدود زیادی حفظ کرده و آن را تداوم بخشیده است.

آداب و سنتهای ازدواج نه تنها منتقل شده و پایدار مانده بلکه در اجرای هر چه کاملتر و مفصل‌تر* شدن آنها تأکید شده است. امروزه در برگزاری مراسم ازدواج (در نسل سوم) اجرای کامل و تشریفاتی مراسم موجب کسب حیثیت بیشتر و وجهه اجتماعی بالاتر محسوب می‌شود و الگوی غالب، در اجرای مراسم ازدواج است.

از جمله مراسمی که پایایی آن به عنوان متغیرهای مورد مطالعه در فرضیه اول و دوم سنجیده شد، بررسی و مقایسه پایایی مراسم بله برون، نامزدی، حنابندان، عقد و عروسی، تعیین مهریه، دریافت شیربها، رفتن به خرید عروسی، تهیه جهیزیه و گرفتن مراسم پاتختی است. نتایج تحقیق دو سطح عملی و نظری پایایی اجرای مراسم ازدواج را نشان می‌دهد.

۱) در سطح عملی، نتایج نشان می‌دهد در طی سه نسل درصد عروس و دامادهایی که مراسم فوق را برگزار کرده‌اند افزایش یافته و به میزان تشریفات و مفصلتر بودن آنها نیز افزوده شده است. سه نسل مطالعه شده اغلب برای ازدواج فرزندانشان مراسم عقد و عروسی برگزار کرده‌اند و به درصد اجرای مفصل آن افزوده شده است.

نوع مهریه تعیین شده برای اکثر دختران از پول در نسل‌های اول و دوم، به طلا و سکه در نسل سوم تبدیل شده است. ولی مهریه در هر سه نسل وجود داشته است. شیربها را در طی سه نسل درصد کمی از خانواده‌ها دریافت کرده‌اند و به تدریج از مقدار آن نیز کاسته شده است. اغلب آنها ابراز کرده‌اند که چنین رسمی ندارند. خرید عروسی در اکثر ازدواج‌های سه نسل وجود داشته و به تدریج بر میزان و ارزش این خرید نیز افزوده شده است. اجرای مراسم پاتختی و دادن هدیه به عروس و داماد اکثراً در سه نسل مشاهده شده است. تهیه جهیزیه برای عروس در طی سه نسل

* در مورد مفصل یا مختصر برگزارکردن مراسم، معیار سنجش مفصل یا مختصر بودن نظر پاسخگو است.

تداوم داشته و درصد آن نیز در طی سه نسل افزایش یافته است. رابطه میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و تهیه جهیزیه برای دختران رابطه معنی داری است. هر چه پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده‌ها بالاتر باشد، جهیزیه‌ای که به دخترانشان می‌دهند، مفصلتر است.

به طور کلی می‌توان گفت که مراسم و آداب ازدواج در نسل دوم و سوم سه برابر نسل اول است و میزان پایبندی شدید به اجرای آداب و رسوم ازدواج در متولدان شهر بیش از روستاست. میزان پایایی مراسم ازدواج در نسل دوم در افراد بیسواد و کم سواد بیش از افراد تحصیل کرده است.

میزان پایبندی به اجرای آداب و رسوم ازدواج در نسل سوم نشان می‌دهد که خانواده‌ها برای پسران خود در هر سنی که باشند به اجرای مراسم ازدواج پایبند هستند. این امر در مورد دختران ۱۶ تا ۳۵ ساله نیز کاملاً صادق است و هر چه میزان تحصیلات آنها و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده دختران بالاتر باشد، پایبندی آنها به اجرای آداب و رسوم ازدواج بیشتر است. (۲) در سطح نظری، اکثر خانواده‌های تهرانی مطالعه شده، با اجرای آداب و رسوم ازدواج موافق هستند و آن را خاطره‌ای به یاد ماندنی می‌دانند که در زندگی یکبار اتفاق می‌افتد. در تعیین مهریه در عمل مقدار مهریه‌ها را مبالغ بالا تعیین می‌کنند، اما در نظر معتقد هستند که نباید مهریه را مبالغ بالا تعیین کنند. درصد کمی از خانواده‌ها گرفتن شیربها را کمکی به خانواده عروس در تهیه جهیزیه می‌دانند. عقیده و نظر پاسخگویان درباره مراسم فوق رابطه‌ای با منشأ جغرافیایی آنها ندارد.

پاسخگویانی که کاملاً موافق اجرای آداب و رسوم ازدواج هستند، تحصیلاتشان زیر دیپلم است و آنهایی که تا حدی موافق اجرای آداب و رسوم ازدواج هستند، تحصیلاتشان از دیپلم تا فوق لیسانس است. از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنهایی که در سطح پایین یا متوسطی هستند، نظرشان نسبت به اجرای آداب و رسوم ازدواج کاملاً موافق است. ۶۵/۰ درصد پاسخگویانی که مراسم ازدواج را کاملاً اجرا کرده‌اند و سنتها و آداب آن را تا حد امکان مفصل برگزار کرده‌اند، هنوز هم معتقد به اجرای کاملاً سنتی آنها می‌باشند.

جدولهای شماره ۸-۱ برخی از آمارهای مربوط به چگونگی پایایی مراسم ازدواج را در

طی سه نسل نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. مقایسه توزیع درصد افراد شرکت کننده در مراسم خواستگاری در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	اعضای شرکت کننده در مراسم خواستگاری
دختر	پسر			
۲/۵	۴/۶	۸/۵	۱۰/۰	داماد تنها، عروس با خانواده و یا فامیل
۵۵/۲	۴۶/۹	۳۵/۵	۴۲/۲	داماد با خانواده، عروس با خانواده
۹/۸	۱۱/۶	۹/۹	۳/۶	داماد با خانواده و فامیل، عروس با خانواده و فامیل
۲۳/۱	۲۵/۲	۲۰/۳	۱۴/۲	داماد با خانواده، عروس با خانواده و فامیل، داماد با فامیل، عروس با خانواده
۵/۷	۸/۹	۲۱/۸	۲۲/۹	بدون داماد خانواده و فامیل او، با خانواده و فامیل
۰/۹	۱/۲	۱/۱	۵/۷	بدون عروس و داماد، خانواده و یا فامیل دو طرف
۱/۹	-	۲/۱	۱/۴	داماد و خانواده و یا فامیل، دوست و همسایه، عروس با خانواده فامیل فقط داماد با دوست و همسایه و یا همکار عروس با خانواده و فامیل
۰/۹	۱/۶	۰/۸	-	بدون مراسم خواستگاری
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۲. توزیع درصد برگزاری مراسم حناپندان، نامزدی، بله برون در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	حناپندان، نامزدی، بله برون
دختر	پسر			
۱۸/۵	۱۹/۵	۳۴/۶	۳۹/۳	نداشته‌اند
۵۵/۶	۵۴/۵	۴۷/۶	۴۳/۵	مختصر داشته‌اند
۲۵/۰	۲۴/۱	۱۵/۷	۱۴/۷	مفصل داشته‌اند
۰/۹	۱/۹	۲/۱	۲/۵	رسم نداشته‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۳. توزیع درصد چگونگی برگزاری مراسم عقد و عروسی در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل
دختر	پسر			
۲/۲	۵/۱	۶/۱	۵/۸	نداشته‌اند
۵۵/۷	۵۳/۴	۶۹/۲	۷۵/۶	مختصر داشته‌اند
۴۰/۹	۴۰/۳	۲۳/۹	۱۷/۸	مفصل داشته‌اند
—	—	—	۰/۴	رسم نداشته‌اند
۱/۲	۱/۲	۰/۸	۰/۴	فقط عقد داشته‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۴. توزیع درصد نوع مهریه عروس و دامادها در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل
دختر	پسر			
۳۵/۹	۳۹/۲	۸۹/۶	۷۶/۷	پول - پول نقره
۰/۶	۱/۶	۲/۹	۱۲/۲	ملک
۵۳/۰	۵۲/۸	۲/۴	۲/۸	طلا - سکه
۸/۳	۴/۴	۴/۳	۵/۵	سایر
۲/۲	۲/۰	۰/۸	۲/۸	بدون مهریه
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۵. توزیع درصد داشتن خرید عروسی در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل
دختر	پسر			
۳/۵	۵/۰	۱۴/۴	۱۷/۰	نداشته‌اند
۲۷/۶	۳۰/۸	۱۲/۳	۸/۷	مفصل داشته‌اند
—	—	۰/۳	—	رسم نداشته‌اند
۰/۶	۰/۴	۰/۳	۰/۴	خارج از ایران بوده‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۶. توزیع درصد داشتن مراسم پاتختی در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل پاتختی
دختر	پسر			
۱۵/۶	۱۴/۲	۳۱/۵	۳۴/۶	نداشته‌اند
۸۳/۲	۸۳/۸	۶۷/۷	۶۲/۶	داشته‌اند
۰/۶	۱/۲	۱/۳	۲/۳	رسم نداشته‌اند
۰/۶	۰/۸	—	۰/۵	خارج از ایران بوده‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۷. توزیع درصد داشتن جهیزیه هنگام ازدواج در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل جهیزیه
دختر	پسر			
۲/۲	۵/۵	۹/۰	۱۰/۷	نداشته‌اند
۵۱/۷	۶۰/۵	۷۳/۰	۷۵/۸	مختصر داشته‌اند
۴۴/۹	۳۳/۴	۱۷/۲	۱۳/۱	مفصل داشته‌اند
۰/۳	۰/۴	۰/۳	۰/۴	داماد جهیزیه داده است
۰/۹	۰/۴	—	—	در خارج از ایران بوده‌اند
—	—	۰/۵	—	همسر اول نداشته دومی داشته است
—	۰/۸	—	—	رسم نداشته‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

جدول شماره ۸. توزیع درصد تهیه سیمونی در سه نسل

نسل سوم		نسل دوم	نسل اول	نسل تهیه سیمونی برای اولین فرزند
دختر	پسر			
۷۳/۷	۶۸/۶	۶۶/۵	۵۳/۹	داشته است
۹/۷	۱۱/۹	۳۳/۲	۴۵/۰	نداشته است
—	—	۰/۳	۱/۱	رسم نداشته‌اند
۱۶/۶	۱۹/۵	—	—	فرزند نداشته‌اند
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

ت. نظامهای حمایتی

حمایت‌های مالی و غیرمالی از اعضای خانواده فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند. از میان سؤالهایی که درباره مراسم ازدواج و تولد اولین فرزند مطرح شده، متغیرهایی چون تهیه جهیزیه، پرداخت هزینه عقد و عروسی، داشتن مجلس پاتختی، تهیه وسایل و لوازم مورد نیاز فرزند نوزاد (سیسمونی) و ملحقیات، بودن نسل سوم نزد والدین و ... که به نوعی حمایت‌های مالی از اعضای خانواده است، مربوط به فرضیه دوم می‌باشند و در ضمن اجرا یا عدم اجرای آن مراسم نیز به عنوان سؤالهای مورد استفاده در فرضیه اول مطرح شده‌اند. هزینه عقد و عروسی در نسل اول بیشتر بر عهده "خود داماد" و "پدر یا خانواده داماد" بوده است. در نسل دوم اکثراً (۵۸/۸ درصد) داماد به تنهایی مخارج عقد و عروسی را پرداخته است، نسل سوم از این نظر شباهت زیادی با نسل اول دارد. یکی از شکلهای حمایتی خانواده حمایت‌های مالی از فرزندان و دیگر اعضای شبکه فامیلی است که در طی سه نسل به تدریج افزایش یافته است که در واقع فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند.

مراسم تولد فرزند اول را نیز در دو سطح (۱ عملی و ۲ نظری) براساس نتایج تحقیق می‌توان پی‌گیری کرد که هر دو نشان دهنده بقای مراسم با کمی تغییر است.

۱. تهیه سیسمونی

برپایی مجلس پاتختی به مثابه یکی از منابع حمایتی خانواده در طی سه نسل پایا تر شده است. ولی داشتن رسمی به نام "حمام زایمان" در طی سه نسل در خانواده تهرانی کاهش یافته است زیرا دیگر محملی برای کارکرد گذشته آن وجود ندارد. همچنین رسمی به نام "نامگذاری کودک" که برای نوزاد تازه به دنیا آمده اجرا می‌شد، نیز از جمله مراسمی است که کمتر برگزار می‌شود، زیرا نسل جدید و جوانتر در امر تصمیم‌گیری مستقل‌تر از گذشتگان عمل می‌کنند. برپایی جشنی برای ختنه کردن نوزادان و فرزندان پسر هم از جمله مراسمی است که دگرگون شده و تغییر یافته است. بعضی از مراسم فوق به دلایل بسیار دیگر اجرا نمی‌شود. از طرف دیگر، افراد بررسی شده بیشتر درباره اجرای مراسم فوق نظر موافق و مساعد دارند و آن را بهانه‌ای برای دور هم جمع شدن اقوام و آشنایان می‌دانند. به طور کلی، پاسخگویان در اجرای مراسم و آداب و سنن ازدواج و مراسم بعد از آن، بیشتر ساده بودن آنها و حذف تشریفات و تجملات را ترجیح می‌دهند.

۲. نگهداری از سالمندان

هنوز بیش از نیمی از خانواده‌های تهرانی بررسی شده فرزندان را عصای پیری والدین می‌دانند. نیمی از آنها در زمان پیری دوست دارند که توسط همسر و فرزندان، در خانه خودشان، از آنها نگهداری کنند. ۲۷/۹ درصد هم آرزو دارند که در خانه خود باشند و سربار و محتاج کسی نباشند.

«جوانان باید مایل باشند که به افراد مسن همچون الگو بنگرند و سالخورده‌گان باید خود را در خدمت نسل‌های آینده ببینند. آیا در جامعه‌ای که از حرمت‌گذاری روگردانده است و در جایی که دیگر به نظر نمی‌رسد سالخوردگی خرد به همراه می‌آورد، چنین هدفهایی واقع‌گرایانه‌اند؟ عواملی چند نشان می‌دهند که ممکن است چنین باشد. طول مدت «مسن بودن» از آنچه در گذشته بوده بیشتر شده است. سالخورده‌گان بسیار بیشتری در جامعه وجود دارند، و از این رو سالخورده‌گان از نظر اجتماعی نمایان‌تراند. سرانجام، درگیری فزاینده آنها در کار و اجتماع باید مستقیماً آنها را به نسل‌های جوان‌تر پیوند دهد.» (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۳۴).

در جامعه بررسی شده کمتر از ۵ درصد خانواده‌ها ضرورت وجود سرای سالمندان را پذیرفته‌اند و اکثریت آنها نگهداری از سالمندان را وظیفه فرزندان می‌دانند. شاید این نشان دهنده فهم متفاوت جامعه تهرانی از پدیده سالخوردگی در غرب باشد. به نظر می‌آید نتایج این تحقیق نظر گیدنز را در مورد فهم جدید از سالخوردگی تأیید می‌کند. او بر این عقیده است:

«سالخوردگی مسئله‌ای از نوع جدید است که در هیئت مسئله‌ای قدیمی ظاهر شده است. سالخوردگی در گذشته انفعالی‌تر از امروز بود. جسم سالخورده چیزی بود که صرفاً می‌بایست به همین صورت پذیرفته می‌شد. سالخوردگی در جامعه فعال‌تر و اندیشمندتر امروز بیشتر به فرایندی باز شبیه است که در سطح جسمانی و روانی متبلور می‌شود. پیر شدن دست کم با همان اندازه که مشکلاتی پدید می‌آورد، فرصت‌هایی را هم برای افراد و هم برای جامعه ایجاد می‌کند.» (همان، ص ۱۳۳).

با توضیح فوق است که امکان تعامل و پیوستگی پیران و جوانان در جامعه تهرانی ممکن می‌باشد.

تغییرات درحوزه مراسم و سنت‌ها در خانواده

همان‌طور که اشاره شد، خانواده‌های تهرانی در فرایند تغییر قرار گرفته است. تغییرات موجب از هم پاشیدگی نظام خانوادگی نشده است، بلکه با وجود حفظ مراسم ازدواج، تولد فرزند و نظام‌های حمایتی از سالخوردگان در بعضی از جهات دچار تغییر شده است. تغییرات در سطوح بین فردی بیشتر دیده می‌شود که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

بیشترین درصد اعضای شرکت کننده در مراسم خواستگاری در سه نسل بررسی شده مربوط به گروهی است که پدر و مادر و خواهر و برادر و عروس و داماد در مجلس خواستگاری آنها شرکت داشته‌اند. خواستگاری‌هایی که داماد خودش دختر را انتخاب کرده و شخصاً به خواستگاری او نزد خانواده و یا فامیلش رفته، در طی سه نسل کاهش یافته است.

درازدواج‌های فامیلی و عمدتاً در نسل اول جلسات خواستگاری بدون حضور دختر و پسر هم برگزار می‌شده است.

اکثر خانواده‌های تهرانی بررسی شده برگزاری جلسات خواستگاری ساده و مختصر و محدود به اعضای خانواده درجه اول را ترجیح می‌دهند. در این طرز نگرش پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های پاسخگو تأثیری ندارد.

فاصله خواستگاری تا عقد و نحوه ملاقات در این فاصله:

ازدواج‌هایی که بلافاصله و کمی بعد از مراسم خواستگاری صورت گرفته در طی سه نسل کاهش یافته است. از آنجا که ازدواج‌های امروزی بیشتر در خارج از دایره خویشاوندی و هم‌ولایتی‌ها انجام می‌شود، لذا ضرورت شناخت و آشنایی با خانواده در کوران گرفتاری‌های شهرنشینی نیاز به زمان بیشتری دارد.

ضرورت داشتن فرصت لازم برای این شناخت، فاصله زمانی بین خواستگاری تا عقد را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر تهیه جهیزیه که دیگر تنها به دلیل رفع احتیاجات اولیه شروع زندگی تدارک دیده نمی‌شود و تهیه و تکمیل آن نشانه تشخیص شده است، نیاز به فرصت و هزینه بیشتری دارد.

در فاصله بین خواستگاری تا عقد، به لحاظ سنتی دیداری بین عروس و داماد صورت نمی‌گرفته است و این امر در مورد اکثر زوج‌های نسل اول و نزدیک به نیمی از نسل دوم‌های

بررسی شده صادق است.

در نسل سوم نزدیک به ۴۰ درصد دختر و پسرها قبل از ازدواج با حضور خانواده و یا در رفت و آمدهای خانوادگی با هم آشنا می‌شوند. در طی سه نسل بررسی شده آن دسته از ازدواجهایی که با آشنایی و رفت و آمد آزاد و بدون شرط دخترها و پسرها صورت گرفته، افزایش یافته است.

تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی سه نسل بررسی شده در این تحقیق معنی‌دار است. هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر می‌رود، درصد رفت و آمدهای آزاد و بدون شرط اغلب دخترها و پسرها قبل از عقد بیشتر می‌شود. این موردی است که نشان دهنده تغییر در مراسم ازدواج است. از طرف دیگر، اکثر خانواده‌ها معتقدند برای اینکه پسرها و دخترها قبل از ازدواج بیشتر با هم آشنا شوند، باید با حضور یا بدون حضور خانواده‌هایشان همدیگر را ملاقات کنند.

تغییر نگرشها

به نظر پاسخگویان، خویشاوندان از جمله عروس و داماد، دیگر نمی‌توانند با خانواده شوهر یا زن در زیر یک سقف زندگی کنند. پاسخگویان عمده‌ترین علت این امر را اختلاف فکر و سلیقه و عدم تفاهم بین دو نسل عنوان کرده‌اند و اعتقاد دارند که نسل جدید دوست دارد مستقل زندگی کند و مانند گذشته تحت سلطه خانواده‌ها نباشد. هر چه طول مدت اقامت در شهر تهران بیشتر باشد درصد خانواده‌هایی که تمایل به زندگی فامیلی را در یک خانه دارند کمتر می‌شود. این امر بیشتر در طبقه متوسط جامعه آماری مشاهده شده است. برخی از ارزشهای فرهنگی نظیر سیگار نکشیدن و پا دراز نکردن جلو بزرگترها، شیر دادن مادران شیرده به نوزادان خود نزد بزرگترها و به خصوص پدرانشان، آرایش نکردن در حضور دیگران، شوخی نکردن زن و شوهر جلو بزرگترها، تغییر کرده و در مقایسه با گذشته رعایت نمی‌شود.

ارزشهایی چون ترجیح جنس پسر به دختر، نظر درباره عدم دوستی دخترها و پسرها و حرف زدن زن و مرد نامحرم با هم تغییر کرده است. کمتر از نیمی از پاسخگویان براساس سنتها و عرف رایج در جامعه با دوستی دخترها و پسرها مخالف‌اند. بیش از نیمی از آنها (بدون داشتن شرط و آزادانه و نیز با شرط نظارت خانواده، و سالم بودن روابط میان آنها) با رابطه دوستی میان آنها موافق‌اند.

به نظر اکثریت جامعه بررسی شده حرف زدن زن و مرد نامحرم در صورتی که قصد و نظر

سویی در میان نباشد، اشکالی ندارد.

به نظر نزدیک به نیمی از پاسخگویان خانه پدربزرگها و مادربزرگها دیگر مانند گذشته برای بچه‌ها جذاب نیست و عمده‌ترین علت آن هم شرایط زندگی جدید، کم حوصله شدن آنها، تنوع اسباب‌بازیها و مشغولیت‌های جدید فرزندان نظیر کامپیوتر و بازیهای آن است.

نتیجه

نتایج تحقیق فرضیه اول را اثبات می‌کند. زیرا در طی سه نسل آداب و رسوم ازدواج در زمینه اجرای مراسم خواستگاری، نامزدی، بله برون، حنابندان، عقد و عروسی، داشتن مهریه، رفتن به خرید عروسی، داشتن مراسم پاتختی، دادن جهیزیه به دختران، تهیه سیسمونی برای تولد فرزند اول، تمایل به ازدواج با هم‌ولایتی‌ها، هم‌محلی‌ها و فامیل، تداوم این مراسم و انتقال آن را به نسل‌های بعد تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که کارکرد خود را حفظ کرده است. خانواده در عین حال در جریان تحولات نیز قرار گرفته است. در فرایند تحولات در امر ازدواج و آداب و سنن آن، بالا رفتن سن ازدواج، تغییر نوع مهریه، افزایش تشریفات مراسم ازدواج، بالا رفتن درصد خانواده‌هایی که جهیزیه و سیسمونی مفصل به دختران خود داده‌اند، تغییر نگرش در روابط زن و مرد و نحوه آشنایی قبل از ازدواج، فرزند کم داشتن، ترجیح ندادن جنس پسر به دختر، به چشم می‌خورد.

همچنین نگرش حمایت و نگهداری اعضای سالمند خانواده - که در گذشته از کارکردهای خانواده و شبکه خویشاوندی بوده - و وظایفی که فرزندان در زمان پیری در قبال والدین دارند، هنوز نگرشی عمده در خانواده است.

شاخص پایبندی به مراسم و آداب ازدواج نشان می‌دهد که نسل‌های دوم و سوم سه برابر نسل اول به اجرای سنت‌های ازدواج پایبند هستند. متولدان شهر بیش از آنها که منشأ روستایی دارند به مراسم ازدواج پایبند هستند و آنها که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی در سطح متوسطی قرار دارند بیش از دیگران مراسم و سنت‌های ازدواج را رعایت می‌کنند.

اکثر خانواده‌های بررسی شده با اجرای سنت‌ها و آداب و رسوم ازدواج و مراسم مربوط به تولد اولین فرزند موافق‌اند و به شرطی که فشار اقتصادی به خانواده‌ها وارد نکند، اکثراً طالب مجلس جشن و سرورند و حفظ سنت‌ها را لازم می‌دانند.

همچنین اکثر پاسخگویانی که در عمل به شکل کامل و مفصل آداب ازدواج را به جای

آورده‌اند نظرشان نیز دربارهٔ اجرای سنتها موافق و مساعد بوده است. یافته‌های تحقیق فرضیهٔ دوم این بررسی را نیز تأیید می‌کند.

خانواده دارای کارکردهای حمایتی نسبت به اعضای خود است. این حمایتها به شکل مادی و معنوی اعمال می‌شود. پرداخت یا کمک به تأمین مخارج عقد و عروسی فرزندان در طی سه نسل، و حمایت از آنها در زمینهٔ تأمین مسکن بعد از ازدواج و پذیرش آنها در خانواده به شکل ملحقات، تهیهٔ جهیزیه که در طی سه نسل مفصل‌تر نیز شده است و مهیا کردن وسایل زندگی زوج جوان، وجود رسم پاتختی بعد از ازدواج که به نوعی حمایت مادی از خانوادهٔ جدید است، تهیهٔ وسایل و لوازم مورد نیاز برای تولد اولین فرزند برای دختران خانواده‌ها که نام سنتی "سیسمونی" را دارد، از جمله کارکردهای حمایتی است که در طی سه نسل در خانواده حفظ شده است.

این حمایتها در حفظ و نگهداری سالمندان و والدین که در گذشته از وظایف خانواده و شبکه فامیلی بوده است، نیز به چشم می‌خورد. سرای سالمندان در بین خانواده‌ها مفهوم خوشایندی نیست و اکثریت خانواده‌های بررسی شده نگهداری از سالمندان را وظیفهٔ فرزندان می‌دانند و اکثریت آنها در دوران پیری دوست دارند در کنار همسر و فرزندان خود و در منزل خود حضور داشته باشند.

با وجود حفظ کارکردهای حمایتی فوق دیگر خویشاوندان مانند گذشته تمایلی به زندگی در زیر یک سقف ندارند. عروسها و دامادها طالب استقلال‌اند و نمی‌توانند مانند گذشته در زیر یک سقف با والدین همسر خود زندگی کنند.

ارزشهایی چون احترام به بزرگتر، جذابیت خانهٔ مادر بزرگها، دراز نکشیدن و پا درازن نکردن جلو بزرگترها، سیگار نکشیدن نزد پدر و مادر و بزرگتران فامیل، شوخی زن و شوهرهای جوان پیش بزرگترها، شیر دادن مادر به نوزادش جلو بزرگترها و به خصوص پدر، پذیرش دوستی پسر و دختر با نظارت خانواده‌ها و ... حضور دوستان و همکاران در عرصهٔ زندگی و رفت و آمدهای خانواده به جای شبکهٔ فامیلی از جمله تحولاتی است که در نهاد خانواده رخ داده است.

به طور کلی جامعه بررسی شده جامعه‌ای است که در شکل، سنت‌گرا و مناسک‌گرا به ویژه در حوزهٔ مراسم و آداب و رسوم مجالس جشن و سرور است و در عین حال در جریان نوگرایی نیز قرارداد دارد و این چهره‌ای جدید از خانواده را معرفی می‌کند که دارای ویژگی انطباق‌پذیری با تحولات دوران جدید است.

مأخذ

- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، تهران.
- امانی، مهدی (۱۳۴۹)، شکل و تحول خانواده در ایران، تهران.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته، ترجمهٔ مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۶۷)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمهٔ محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ دوم، تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، راه سوم، بازسازی سوسیال دموکراسی، ترجمهٔ منوچهر صبوری کاشانی، انتشارات شیرازه، چاپ اول، تهران.
- میشل، آندره (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمهٔ فرنگیس اردلان، انتشارات دانشکدهٔ علوم اجتماعی و تعاون، تهران.